

## نقدی بر کتاب آیین اینترنت

فیلیپ برتون، محقق سی.ان.آر.اس (آزمایشگاه جامعه‌شناسی فرهنگ اروپایی در استراسبورگ) است و در دانشگاه سوربن پاریس تدریس می‌کند. وی نویسنده کتاب‌های آرمان شهر ارتباطات و سخن آمایش شده (انتشارات دکور ۱۹۹۹م.) است.

کتاب ابتدا به رویکردهای مختلف نسبت به اینترنت پرداخته و رویکرد موافق یا مخالف (سیاه یا سفید) را بررسی می‌کند. سپس از منظر همه‌گیر شدن اینترنت، دیدگاه‌ها، تفکر و باورهای مختلف مؤثر در این روند را بیان می‌کند. در این کتاب طیف‌هایی مانند: رویکرد از تکنیک‌گریزی، شیفتگی، نگرش ابزاری، نگرش به عنوان غایت و در نهایت، مذهب جدید مطرح شده‌اند و بحرانی که در انتظار نظام اجتماعی جهان است، مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

روشن است که مؤلف کتاب حاضر از نگاهی انتقادی به مباحث اینترنت و جهانی شدن آن که به شکل «جامعه اطلاعاتی» ظهور می‌یابد، نگرسته است، جامعه‌ای که اندیشه آن با وعده‌ها و نویدهای دنیای بهتر به عرصه دنیای مدرن وارد شده است، ولی سرانجام به انزوای نسل بشر و محبوس ساختن آن در سلول‌های اطلاعاتی مخلوق جامعه اطلاعاتی می‌انجامد. در مطالعه کتاب اندکی آشنایی با ادبیات فناوری اطلاعات و هم‌چنین مکاتب فلسفی مؤثر و در درک مقصود نویسنده مفید است هر چند الزامی نیست.

نویسنده سیر تحولات نظریات و فلسفه‌های مرتبط را گام به گام دنبال کرده و در جاهای مختلف کتاب بدان‌ها اشاره کرده است. در این راه از کتب فلسفی چون دنیای فلسفه اثر پیر لوی و هم‌چنین نظریات شیفتگان اینترنت، لیبرال‌ها، ضد فرهنگ‌ها و... بهره برده است. وی به آخرین آزمایشات و ایده‌ها در این مسیر که هنوز در

- حسن خادمی
- هادی دارمی



- فیلیپ برتون، آیین اینترنت، ترجمه علی اصغر سرحدی و جمشیدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۱۶۸ صفحه، فارسی.

عنوان ابزاری چون ابزارهای دیگر نگرینسته و از آن در راه اهداف مورد نظر جامعه بهره گیرند.

اغلب طرفداران اینترنت مطلق از تبار مک لوهان هستند که به ستایش اینترنت پرداخته و سلطه آن بر شالوده اجتماع را به منظور زدن طرحی نو که چاره دردهای بشر در نگاه آنها باشد، در سلوچه کار خود قرار داده‌اند.

در مقابل، تکنیک‌گریزان افرادی هستند که با نگرینستن به روند گسترش این پدیده، از حوادثی چون چرنوبیل‌های انفورماتیک بیمناک شده و هشدار می‌دهند چنین جامعه‌ای به دلیل شتاب بیش از حد، در صورت اصابت با مانعی در راه خود متلاشی خواهد شد. افرادی نیز چون نوربرت واینر که در ابتدا از مرو جان این امر بودند، بعدها از نتیجه این روند بیمناک شده و به نوعی دریافته‌اند که «غول شرّ را از بطری آزاد ساخته‌اند.»

در این میان، هواداران کاربرد منطقی نسبت به بعضی رویکردها، نگرش انتقادی و برخی دیگر را نیز تأیید کرده‌اند. از جمله در بحث آموزش که اینترنت با جایگزینی مدرس، در واقع، وی را به دستیار دانش آموز مبدل ساخته است.

به عقیده نویسنده، گروه اول قطعاً بیشترین طرفدار را دارد و دیدگاهشان در حال تبدیل شدن به «ایدئولوژی برتر» در این زمینه می‌باشد. آنان معتقدند: دنیایی که فناوری‌های جدید اطلاعاتی مرکز تازه آن خواهد بود، مرکز فراگیری است چرا که در همه جا حضور خواهد داشت.

رهبان فکری «اقتصادی جدید» در گسترش همه جانبه شبکه‌ها، فرصتی برای افزایش منافع یا حتی کسب ثروت‌های بادآورده می‌بینند. سیاست‌مداران نیز رویارویی دموکراسی مستقیم را به جای دموکراسی نمایندگان در ذهن می‌پروراند. اهل فن توجیه اعمال خود را در نوشته‌های «پیامبران» این جامعه جهانی اطلاعات خواهند یافت که پیدایش «دنیای جدید» را اعلام می‌کنند.

در مقابل گروه اول، تکنیک‌گریزان قرار دارند که در جبهه مخالفت ریشه‌ای با اینترنت، علیه خطرات «چرنوبیل‌های انفورماتیک» و علیه جامعه‌ای که بیش از پیش با شتاب «به دیوار اصابت خواهد کرد» نهیب می‌دهند. آنان غالباً سخن و انتخاب دیگری جز «اینترنت مطلق» به ذهنشان خطور نمی‌کند، خشک و تر را با یکدیگر می‌سوزانند. بدون اینکه موضعشان فیلسوفانه و یا بر اساس طرح ارزش‌های پایه‌ریزی شده باشد.

دسته سوم، هواداران کاربرد منطقی قرار دارند. برای آنان کاملاً محرز می‌باشد که ابزار فقط ابزار است، با اینکه کاملاً در حوزه‌های دیگر درگیر باشد و اینترنت از این قاعده مستثنی نیست. به عنوان مثال این ادعا که از اینترنت اهرمی برای «انقلاب اجتماعی» ساخته می‌شود، با آرمان‌های انسان‌گرایانه‌ای که انسان را - و نه تکنیک را - در مرکز دنیا قرار می‌دهند، در تضاد قرار می‌گیرد. در چشم‌اندازی

ادبیات وارد نشده نیز پرداخته است.

نویسنده کتاب، «اینترنت» را چون آیینی بر می‌شمرد که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به آن ابراز شده است. آیینی بدیل از نوع شبه دینی و طرفداران پروپا قرصی دارد و «برتون» از آنان تحت عنوان «بنیادگرایان دینی» یاد می‌کند.

برتون در کتاب خود بیشتر به طرح آراء و توضیح باورهای آنان در مورد جامعه آرمانی و یوتوپای تکنولوژیک و پایه‌های شبه مذهب‌گرایی تکنولوژیک جدیدشان می‌پردازد و سعی در ایضاح بحث می‌نماید.

در پایان برتون در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش‌ها است: آیا این آیین جدید شبه مذهبی اینترنتی، تهدیدی برای پیوند اجتماعی به‌شمار می‌آید؟ آیا این آیین، غیراخلاقی است؟ کتاب مذکور شامل یک مقدمه و هفت فصل می‌باشد:

#### مقدمه

در مقدمه کتاب، نویسنده اینترنت را چون آیینی مذهبی تشبیه می‌کند که حاوی دنیایی از باورها و استعارات است و سعی در بیان نظریات این جامعه شبه ایدئولوژیک تحت عنوان «بنیادگرایان اینترنت» می‌نماید. وی اینترنت را به کهکشان و سحابی بزرگ تعبیر می‌نماید که پراکندگی، انفجار و عدم تمرکز مشخصه اصلی آن است. برای بنیادگرایان اینترنت، اینترنت کلیسای حقیقی آنانی است که اطلاعات را گرمای می‌دارند. شبکه‌ها، رایانه‌ها، تمامی ماشین‌های ارتباطی، به مکان‌های خصوصی و تقریباً انحصاری تبدیل می‌شود که این آیین نوین رابطه جدیدی را در پیوندهای اجتماعی وارد می‌کند و نوعی شیوه زندگی را درمی‌اندازد که در آن ارتباط هیچ‌گاه قطع نمی‌شود.

به عبارتی مذهب‌گرایی جدید اینترنتی سرمست از تسهیل ارتباطات است. البته وی با توجه به نویدهای بنیادگرایان اینترنت درباره دنیای پیش‌روی بهتر، معتقد است که هنوز از نویدهای درخشان دنیای بهتر برای همه، دور هستیم و در انتهای مقدمه خواننده را از خطرهای اساسی که در کمین پیوندهای اجتماعی می‌باشد، بر حذر می‌دارد.

#### فصل اول، موافق یا مخالف اینترنت: راهکار غلط

نگرش‌های موجود جامعه به اینترنت به سه گروه اصلی تقسیم می‌شود:

1. هواداران اینترنت مطلق، افرادی تکنیک‌زده و شیفته تکنولوژی هستند.
2. تکنیک‌گریزان، افرادی که اصولاً با تکنولوژی مخالف هستند.
3. گروهی که سعی کرده‌اند با نگرشی منطقی به اینترنت به

دیگر، هواداران «تنظیم» اینترنت، از جمله تنظیم قضایی، نقش مهمی را در دفاع از کاربرد کنترل شده فناوری‌های جدید بازی می‌کنند و در جست‌وجوی کشیدن مرزهایی ولو محدود میان دنیای تکنیک و دنیای انسانی می‌باشند.

### فصل دوم. نوید دنیای بهتر

نیمه قرن دوم شاهد برخاستن نوید تازه‌ای در ابعاد جهانی بوده است. در ابتدا سخن از «دولت جهانی» و بعد از آن صحبت از «دهکده جهانی» به میان آمد. سپس بعد از تجسم یک «ماشین هدایت‌کننده جهان»، زمان «انقلاب انفورماتیک» فرا رسیده است که قرار است سراسر جامعه را تغییر دهد.

فناوری‌های جدید نوید «آزادی بیشتر، کار بیشتر، ثروت بیشتر، دموکراسی و دانش بیشتر» را برای انسان به ارمغان آورده است.

در ادامه «برتون» به ارائه نمونه‌هایی در مورد اینترنت و اینکه چگونه در دستان سیاستمداران وسیله تبلیغ شده‌اند، می‌پردازد. وی چارچوب جامعه اطلاعات را در آثار «نیکولاس نگرپونت» و «بیل گیتس» جست‌وجو می‌کند و با ارائه مطالبی در همین راستا از دیگر بنیادگرایان اینترنت چون «میشل کاپور» و «پیرلوی» به روشن نمودن نوید دنیای بهتر که امروزه بیش از گذشته به گوش می‌رسد، می‌پردازد.

### فصل سوم. تجسم یک نگرش

این اعتقاد مطرح شده که اینترنت می‌تواند تنش‌ها را کاهش داده و پیوند اجتماعی را به شکلی هماهنگ و منسجم‌تر برقرار سازد. نگرش خشونت‌زدایی و خشونت‌گریزی در قرون اخیر در تئوری‌ها جلوه یافت، اما در جست‌وجوی ابزاری که این نظریه‌ها را به گردش اندازد به سر می‌برد، تا اینکه اینترنت پدیدار گشت. نظرات افرادی چون واینر که از پایه‌گذاران علوم انفورماتیک هست، قابل تأمل است. او دنیا را تنها متشکل از دو عنصر فرم و آنتروپی می‌بیند و بدین ترتیب، خیر و شر نوین را از دید خود بیان می‌دارد. آنتروپی یا بی‌نظمی، همان شر در دنیای جدید از نگاه واینر و هم‌منظران اوست که با نابودی آن، دنیا به نظم نوین رسیده و طبعاً خشونت نیز از این جهان رخت برمی‌بندد.

در این راستا، تیار دو شاردن ترکیبی جدید از علم و مذهب پیشهاد کرده که متفاوت از تمام پارادایم‌های تاریخ بشر می‌باشد. ارمغان این ترکیب جدید به گمان دو شاردن، جمع باوری است که هماهنگی و اطلاع افراد جامعه را افزایش داده و آنها را به سمت یکدست شدن سوق می‌دهد.

اردوگاه سوسیالیست نیز با همین گمان یکپارچگی و جمع‌باوری آرمانی سوسیالیسم به نشر عقاید سیرنیتیکی پرداخت.

بلافاصله بعد از جنگ پروژه جامعه جدید سازمان یافته حول محور اطلاعات جهانی به وجود آمد. در دهه پنجاه متون علمی – تخیلی بسیاری چنین جامعه‌ای را به نمایش گذاشتند. در دهه شصت «دانیل بل» و «الوین تافلر» از موج سوم سخن گفتند که گذر از مرحله کشاورزی و مرحله صنعتی را نشان می‌دهند و در کنار آنان مک‌لوهان از «دهکده جهانی» سخن به میان آورد. اما به عقیده برتون آنچه که به این نگرش تجسم بخشید، ظهور اینترنت در دهه هشتاد بود.

برتون برای یافتن ریشه‌های «آئین اطلاعات» به سال‌های چهل نزد ریاضیدان آمریکایی نوربرت واینر می‌رود. به عقیده وی «این نگرش اطلاعاتی» نسبت به دنیا، نگرشی است که امروزه به عنوان پی‌زمینه مباحث درباره اینترنت و جامعه اطلاعاتی تحمیل می‌شود.

وی در ادامه به عقیده واینر درباره اطلاعات می‌پردازد که معتقد بود: دنیا و تمام موجودات که به آن وابسته‌اند، هرچه که باشند از دو عنصر مهم ساخته شده‌اند: از یک طرف «اطلاعات» و در طرف دیگر «آنتروپی» به عبارتی از یک طرف روح و از طرف دیگر ماده. به عقیده وی آنتروپی و اطلاعات دو روی یک واقعیت به شمار می‌روند. هم‌چنین دوشاخه اصلی جهان‌بینی جدید اطلاعاتی را در آراء واینر مشخص می‌کند. از یک طرف تأمل درباره ماهیت انسان که او را تا اتخاذ موضع‌گیری‌های نظری ضد انسان‌گرایی هدایت می‌کند و از طرف دیگر تأملی تقریباً جامعه‌شناختی درباره جامعه ایده‌آل که می‌بایست در اطراف اطلاعات خویش را بازسازی کند، ارائه می‌دهد.

مدل جامعه‌ای که او بر اساس نقطه مرکزی یعنی اطلاعات و جریان آن، طراحی می‌کند، جامعه‌ای بدون حکومت است که هم بر اساس جمعیت‌های کوچک زندگی و هم سیستم ارتباطات جهانی پی‌ریزی شده است. جامعه‌ای که در آن مفهوم برابری بسیار فراتر از حکومت انسان‌ها شده است چراکه این جامعه، ماشین‌های هوشمند را وارد کرده که مجازاً با انسان‌ها برابر در نظر گرفته شده‌اند.

### فصل چهارم. دنیایی از باورها

باور اساسی در جامعه مد نظر گروه شیفتگان، خلاصه‌کردن نظام هستی در یک مفهوم واحد یعنی اطلاعات است که هویتی از جنس آرمان خیر، نور و شفافیت دارد. به معنای دیگر، غایت این جامعه، مذهب جدید پرستش ارتباطات است. شفافیت در بروز هر چیز به شکلی که واقعاً در زمان اتفاق می‌افتد جلوه‌گر می‌شود و تشبیهات و استعاراتی که به کار می‌رود هم حکایت از نگرش نورانی به این موضوع دارد.

از هر پدیده و موجود، فقط موجودیتی خلاصه شده در فرم داده و به واقع فقط اسکلت اطلاعات دیده می‌شود. نویدی که می‌دهد سراب شهر شیشه‌ای از دنیای هماهنگ، بدون راز و رمز، عاری از

بود که در آن تأثیر مستقیم نویسندگان بسیاری نمایان است. بدون آنکه تقریباً هیچ نقل قول، مرجع یا یادداشتی داشته باشد. سرقت اطلاعات دقیقاً بعد مخفی آیین اینترنت به شمار می آید.

در نهایت می توان گفت «بنیادگرایان اینترنت» دشمن قانون نیستند. فقط عقیده دارند که قانون برایشان ارزشی ندارد. آنها به دلیل یک شورش بی ارزش علیه قانون با آن مخالفت نمی کنند، بلکه هر نوع شایستگی قانون برای برقراری پیوند اجتماعی را رد می نمایند.

هر نوع وساطت در این دنیای نقطه به نقطه کاملاً غیر قابل تحمل می باشد. رسانه ها به عنوان واسطه های اطلاعاتی، گردش اطلاعات و شفافیت دنیای جدید را مهار می کنند. حداقل چهار بخش مهم این باور را توضیح می دهند: تجارت، آموزش، اطلاعات رسانه ای رسیده است.

تجارت: هر چقدر تجارت مستقیم تر باشد، بدون واسطه، عملکرد باز تر و سودمند تر فرض می شود. واسطه به خصوص از نوع فیزیکی آن بدترین ناشفافی موجود را نشان می دهد.

آموزش: نقش معلم از یک رودرویی آموزشی به یک پهلو به پهلو بی در برابر صفحه نمایش منتهی می شود. معلمان به مهندسان دانش، سازمان دهندگان فرآیندهای اکتساب معلومات مبدل می شوند بین تولیدکننده دانش که از قواعد شعور جمعی تبعیت می کند و مصرف کننده، هیچ نیازی به واسطه نیست. فرایند حذف واسطه ها در زمینه اطلاعات رسانه ای نیز وجود دارد.

هدف بر طبق فقه مذهب گرایانه جدید، تسهیل تعامل است. کیفیت اطلاعات دیگر به ویژگی ارجاعی آن ارتباط ندارد، بلکه به قابلیت در گردش سریع و تا حد ممکن تعاملی بودن مربوط است.

طرد جسم از دیگر موارد این آیین به شمار می آید. ارتباط بدون چهره و تن هویت های متعدد مهیا می کند، تکه تکه کردن فرد وارد شده در یک سری از ملاقات های مجازی که فرد برای آنها در هر بار یک نام متفاوت، حتی یک سن، یک جنس، یک شغل براساس شرایط انتخاب ظهنویسی می کند. اغلب این مریدان فرهنگ سایبری را مانند دنیایی شگفت انگیز توصیف می کنند که به روی جهش یافتگانی که دنیای جدیدی را ابداع می کنند، گشوده شده است. این بهشت ضرورتاً بدون جسم است همه چیز باید تعاملی باشد و آنچه تعاملی نیست محکوم به رسوایی است.

بهای کنش متقابل، جمع باوری که کاربران اینترنت بسیاری عملاً مشتاق آن هستند، همان طور که بعدها خواهیم دید چشم پوشی عمده از ملاقات، از حضور فیزیکی، از تبادل کلامی مجسم است.

### فصل پنجم، پایه های آیین گرابی جدید

مبانی آیین جدید چیست؟ ریشه های مذهب جدید از سوی

دروغ، تضاد و تعارض است. تمایزی بین زندگی خصوصی و زندگی عمومی دیده نمی شود. در این حال، دیگر تنها راه شفاف بودن و در عین حال داشتن زندگی عادی، گناه نکردن است یعنی چیزی برای پنهان کردن وجود نداشته باشد.

به قانون نیازی نخواهد بود. سانسور و کپی رایب معنی ندارد و در حوزه های مختلف اعم از تجارت، آموزش، اطلاعات رسانه ای و سیاست، واسطه زدایی می شود. ارتباطات به صورت نقطه به نقطه از منبع به مقصد جریان یافته و هیچ رابطه ای در این میان قرار نمی گیرد. گفت و گوها بر پایه های صرفاً عقلانی صورت می گیرد و در نتیجه، تفاوتی بین گفت و گو با انسان یا ماشین وجود ندارد.

دنیای جدید، دنیایی باورهاست. باورها و اعتقاداتی که تنها واقعیت حقیقتش «اطلاعات» خواهد بود. دنیایی که ارتباطات مورد پرستش قرار می گیرد. مفهوم شفافیت از این دنیا جدا نیست. دنیایی که به همه چیز نظم داده می شود و مبارزه دائمی مابین نظم و آشفتگی برقرار است.

تغییر دادن به لطف آئین اینترنت، یعنی هماهنگ تر ساختن دنیا، مستلزم صرف نظر کردن از تعارض ها، تضادها، تفرقه ها و بازی های قدرت می باشد. در این دنیا، رایانه ها، شبکه عصبی جادویی فرض شده اند که ارمان آورنده شفافیت نوید داده شده در جامعه جدید می باشند. شفافیت آرمانی است برای ارزش گذاری و به گونه ای جهت طرد نمودن. آنچه شفاف است طبیعی است تکامل یافته تر و پیشرفته تر در نظر گرفته می شود.

«بنیادگران اینترنت» در پی زدودن چهار مسئله می باشند:

۱. زندگی خصوصی
۲. قانون
۳. وساطت
۴. کلام مجسم

این بنیادگرایان در پی حذف حصار مابین زندگی خصوصی و عمومی هستند. به عقیده آنان هر چه «پنهان» بماند در مذهب جدید گناه به شمار می آید به عبارتی، شفافیت در همه جا حضور دارد.

بنیادگرایان معتقد به گردش آزاد ایده آل می باشند و در عین حال قانون را حبس کننده شفافیت می دانند. در آئین جدید اینترنت، قاعده جای قانون و خود تنظیمی جای هنجار را می گیرد. حال سؤالی که در اینجا مطرح می گردد، این است که با فرض اینکه قانون محدود کننده خشونت می باشد، در آئین جدید چگونه خشونت و قانون حذف می شوند؟ بنیادگرایان پاسخ این سؤال را از طریق جدایی اجتماعی پاسخ می گویند.

در این آئین کپی غیر مجاز و انتشار گسترده موسیقی ها یا متونی که از دیدگاهی دیگر با حق مؤلف حمایت شده اند، همچون ضرورت مطلق و تکلیف حقیقی اخلاقی در نظر گرفته می شوند. گرایش نویسندگان زاده محیط فناوری های جدید اطلاعات، کتابی خواهد

می‌آمدند. برخی ویژگی‌های این جریان بی‌درنگ با تفکر جدید حکومت اطلاعات هم صدا می‌شوند. جامعه‌ای بدون حکومت و خود تنظیمی که به لطف فناوری‌های جدید بیانی آزاد و بدون قید و میانجیگری را تجویز می‌کنند.

دیگر پایه‌های مذهب‌گرایی جدید را باید در گرایش‌های لیبرالی آن جست‌وجو نمود، که به قوانین بازار اعتقاد دارند و دشمن مداخله دولت‌های ملی الزام‌کننده هستند.

### فصل ششم، به تابوی ملاقات مستقیم

از نگاه پیروان مذهب جدید، هر ارتباطی باید از طریق شبکه‌ونه غیر آن صورت گیرد. این تعصب دلایل مختلفی دارد. از جمله باورهای این زمینه، خشونت‌زدایی و خشونت‌گریزی است و شبکه، چاره‌زدودن خشونت از صحنه زندگی تلقی می‌شود. آنتروپی منفی تلقی می‌شود.

در اینجا سیاستمدارانی که به شعارهای جامعه اطلاعاتی روی آورده‌اند با احتیاط سخن گفته و کلاً متفکران موافق و مخالف نیز تنها به تصورات و پیش‌بینی‌ها اکتفا می‌کنند.

برتون در فصل ششم به تبیین ایده طرفداران اینترنت در مورد ملاقات‌هایی که در جامعه جدید روی خواهد داد، می‌پردازد: آنان معتقدند باید در بسیاری از فعالیت‌هایی که تاکنون انجام می‌دادیم، جابه‌جایی‌هایی را بپذیریم، مانند کار، سرگرمی، تلوویزیون، سینما، تجارت، ارتباط با دیگران، دعا، اندیشه و برای افراطی‌ها روابط جنسی.

در عمل، همه این باورها به سمت یک نقطه واحد گرایش دارند: هر ارتباطی، رابطه‌ای، ملاقاتی می‌بایست بعد از این از شبکه عبور نماید. وی در ادامه به مسئله خشونت می‌پردازد و با آوردن نقل قول از طرفداران اینترنت مبنی بر خلق جامعه‌ای که از فجایع، بی‌عدالتی‌ها و عدم تعادل محیط زیست خبری نخواهد بود، می‌افزاید بشر برای رسیدن به چنین جامعه‌ای باید هزینه‌ای بپردازد و این هزینه همانا «جدایی اجتماعی» خواهد بود. سپس دنیای بدون معاشرت را مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر وی تمامی سازماندهی اجتماعی در اطراف این مشکل دور خواهد زد. این جامعه هیچ شهر و دولتی ندارد و هر نفر به تنهایی در ملکی شخصی جدا از دیگران زندگی می‌کند. برتون ملاقات را تابوی اصلی سازمان دهنده پیوند اجتماعی در چنین دنیایی می‌بیند و واقعیت عینی آیین جدید اینترنت را به کارگیری نظام‌مند ارتباط از طریق رایانه‌ها و شبکه‌ها می‌داند.

### فصل هفتم، تهدیدی برای پیوند اجتماعی

دوالگویی که در باره توسعه اینترنت دیده شده عبارت است از: راهبرد اینترنت مطلق، و راهبرد اینترنت به عنوان ابزاری ارزشمند و فقط ابزار. دکترین اینترنت مطلق برای بسیاری جوانان، ضد فرهنگ‌ها و

فیلسوفان فضای سایبر طوری شکل گرفته که به برخی شکل‌های اشرافی با پایه ارزش‌های قدیمی ترگرایش دارد تا نگرش آنها به آینده جامعه جهانی اطلاعات هماهنگ‌تر گردد. در اینجا شیطان استعاری وجود دارد و جدال نور با سیاهی همچنان در جریان است. مانویت یا ثنویت‌گرایی در اینجا به همان معنی «میل به رهانیدن جسم برای آزادی روح و وقوع نبرد دو قدرت» وجود دارد.

مرکزیت از انسان گرفته شده و به شعور جمعی داده می‌شود و بدین شکل، نقش ضد اومانیمی دنیای جدید ظاهر می‌شود.

این طرح نو، شباهت‌های عمیقی با مبانی عرفان شرقی از جمله زندگی جمعی، میل عمیق به برابری و آزادی خواهی، دلبستگی به فرهنگ غیر مهاجم و قربات با طبیعت دارد. بدین گونه است که اینها خود را «ولگردان مقدس و ملکوتی» می‌خوانند. ضد فرهنگ‌نگان احساس می‌کنند اکنون ابزاری برای مبارزه با سرمایه‌داری یافته‌اند و امید تازه‌ای در آنها بیدار شده است.

لیبرالیسم نیز خود را در پیوند با جامعه اطلاعاتی یافته است. نگرشی که همیشه دغدغه جلوگیری از انحصار و تراکم محلی را داشته با تکیه بر خصوصیت شبکه‌ای بودن اقتصاد اطلاعاتی، اینترنت را ابزاری برای تحقق رسالت خویش می‌داند.

در اقتصاد نو، پول، واحد اندازه‌گیری معرفت‌شناسی می‌شود و این اقتصاد، بیش از هر چیز، زنجیر هستی‌شناسی را به سمت مجاز می‌کشاند و در یک کلام، تفاوتی بین فکر و تجارت وجود نخواهد داشت. هر چه فرد بالقوه‌تر باشد پولسازتر است.

آیین اینترنت بنای خود را بر تغییر عناصر دنیاهای ارزشی دیگر قرار می‌دهد که از مذهب‌ها، فرهنگ‌ها و سیاست زاده شده‌اند. در عین حال این عناصر محیط و حامیان انتشار اینترنت به شمار می‌آیند. برتون در این فصل سعی در جست‌وجوی این دنیاهای ارزشی می‌نماید که پایه‌های مذهب‌گرایی جدید را برافراشته‌اند.

وی کارش را از نزدیکی بین مذهب‌گرایی جدید و دیگر ارزش‌های مذهبی قدیمی تر شروع می‌کند. به عقیده برتون مذهب‌گرایی نوین، نگاهی متفاوت نسبت به وجود خداوند دارد. همان‌طور که نهادینه‌کردن و تمرکزگرایی که در ارزش‌های مذهبی قدیمی وجود دارد، در تعارض کامل با تفکر شبکه قرار دارد. اینترنت به نوعی میل خود را از جسم رهانیدن برای آزادی روح و مشاهده نبرد بین این قدرت، یعنی اطلاعات و آنتروپی نشان می‌دهد.

وی با بیان اینکه معرفت‌شناسی اینترنت در برخی حالت‌ها به سمت ثنویت‌گرایی و ادراک مانوی‌ها گرایش دارد، به ایضاح بحث می‌پردازد. این دو دیدگاه عقیده دارند که جان در جسم تنزل یافته است ولی می‌تواند به وسیله شناخت و رستگاری رهایی یابد. در ادامه وی به نقاط اتحاد بین آیین جدید و جنبش عظیم ضد فرهنگی می‌پردازد. جنبشی که سال‌های شصت در آمریکا و به شکل‌های گوناگون در کشورهای مختلف غربی پدیده‌ای همگانی به شمار

سال انتشار این کتاب به زبان فرانسه ذکر نشده است. اما با توجه به ارجاعات کتاب احتمالاً کتاب در حوالی سال ۲۰۰۰ م. به چاپ رسیده است. تمام ارجاعات نویسنده آثار فرانسوی می باشند و نویسنده هیچ گونه ارجاع به کتاب های انگلیسی یا آلمانی و ... نداشته است. با توجه به این که مطرح ترین کتاب ها در این زمینه، به زبان اینترنت که همانا زبان انگلیسی می باشد، نویسنده با آن دسته از آثاری در این زمینه آشنایی دارد که از فیلتر ترجمه به زبان فرانسه گذشته باشد.

برتون در کتاب خود از آثار افرادی چون کاستلز، کوین کلی و فرانک وبستر، به عنوان شخصیت های مطرح در حیطه فناوری های اطلاعات یاد می کند، با توجه به آنکه اثر سه جلدی کاستلز، کامل ترین تلاشی است که سعی شده جامعه جدید پیش رورا تبیین و تفسیر کند. شاید اگر قرار باشد به نقد «طرفداران اینترنت مطلق» آن گونه که برتون در کتاب خود سعی در انجام آن را داشت پرداخت، باید به سراغ کتاب کاستلز رفت و البته ناگفته نماند که نقد این کتاب که پر از آمارها و نمودارهای تأیید شده از مجامع بین المللی می باشد در قالب اثر برتون کار چندان ساده ای نیست.

نویسنده کتاب آیین اینترنت در نقد خود سعی می کند از درون مایه های فلسفی و ادبی کمک بگیرد، اما بیشتر در قالبی غیرمنسجم بحث خود را پیش می برد، به عنوان نمونه، در بحث نگرانی های جامعه آینده وی با استناد به تعداد کارکنان شرکت مایکروسافت، به این نتیجه می رسد که احتمالاً بیکاری در جامعه آینده فراگیر خواهد بود و توجهی به آراء «کوین کلی» (که به عقیده وی در قالب طرفداران اینترنت مطلق به شمار می آید) ندارد که در یک فصل کتاب خود با عنوان «قواعد جدید برای نظام اقتصادی جدید» به نفی این تصور که بیکاری در آینده فراگیر خواهد شد و توضیح می دهد که چگونه در جامعه آینده شغل های جدیدی خلق می شوند که امروزه وجود ندارند و همین خلق شغل های جدید، بحران بیکاری را آن گونه افرادی چون «برتون» می پندارند دامن نمی زنند. از این گونه موارد در جای جای کتاب بسیار دیده می شود. در واقع نقدهای برتون به طرفداران «اینترنت مطلق» نقد آینده نگارانی است که بیشتر چون پیامبران خیالی، دست به پیشگویی می زنند و از افرادی چون «کاستلز» و «کلی» که با ارائه آمار و ارقام سعی در تبیین جامعه آینده دارند، صحبتی نمی آید. به عبارتی باید گفت نقد کاستلز را باید در میان آمار و ارقام و روابط علی که کتاب «برتون» بیش از هر چیز در آن ضعیف است جست و جو نمود.

اما نگرانی بسیار مهمی که برتون در کتاب خود به آن اشاره می کند را نباید فراموش نمود که همان نگرانی مبنی بر این است که امروزه مذهب گرایی جدید همان نقشی را بازی می کند که آرمان شهرهای انقلابی در سال های شصت و هفتاد به عهده داشتند.

لیبرال ها جذابیت خاص دارد. اینها با شیفتگی و پرستش به اینترنت نگر بسته و اجتناب ناپذیری تحول اینترنت را مطرح می کنند.

از برخی اثرات فاسد آیین جدید می توان از عقبگرد آزادی ها، غیرهمزمان سازی فعالیت های اجتماعی، افزایش نابرابری ها، بحران ارزش ها، هجوم به اومانیزم را برشمرد.

با ظهور فعالیت های جاسوسی به نظر می رسد بر عکس آنچه پیروان مذهب جدید تصور می کردند آزادی ها محدودتر شده و شبکه های جهانی یکپارچه با جاسوسی و مراقبت، فعالیت های اشخاص را کنترل می کنند.

در این فصل برتون به طور اجمالی به مباحث مطروحه در کتاب می پردازد و تعریفی دوباره از دنیای جدید به دست می دهد. یادآوری می کند که این مذهب گرایی در هیبت غیر خداپرستی، معتقد به وجود روح ثنویت گرا و ضد اومانیزم خودنمایی می کند. اتحاد شعور را با مشارکت انسان ها و ماشین های هوشمند می ستاید. به عقیده وی، مذهب گرایی یک حرکت تاریخی تصور می شود که از مادیت به سوی روح و از اتحاد آگاهی ها تا جذب آنها در جهانی کاملاً واحد پیش می رود.

شعائر اساسی این مذهب گرایی جدید، داشتن ارتباط دائمی، جدایی جسم، پایان معاشرت مستقیم، یک رابطه انکار قانون و میانجی، بی نظمی بین نمایش و نمایش داده شده و بین مجازی و واقعیت است.

البته برتون در جای جای کتاب خود توضیح می دهد که نمی خواهد بحث خود را در قالب مناظره غلط «موافقان و مخالفان» اینترنت پیش برد. بلکه تاکیدش بر الگوهای متفاوتی است که این امکان فنی جدید فراهم می نماید. وی دو دیدگاه، در مورد توسعه اینترنت بر می شمرد.

نخست راهبردی که به وسیله طرفداران «اینترنت مطلق» پیگیری می شود و به نوعی ویتترین مذهب گرایی جدید به شمار می آید دیگری رویکردی است که همه کسانی که به اینترنت فقط به عنوان یک ابزار ارزشمند می نگرند.

البته برتون در هیچ کجا موضع خود را صریحاً روشن نمی نماید، ولی از نحوه نگارش و استدلال وی بر می آید که وی نه تکنیک گریز است و نه طرفدار اینترنت مطلق، بلکه در زمره انسان گرایانی است که نگاه ابزاری به اینترنت دارند. همان کسانی که در فصل اول تحت عنوان گروه سوم، یعنی طرفداران کاربرد منطقی فناوری ها به عنوان عامل پیشرفت نام می برد.

وی در صفحات پایانی کتاب به نگرانی هایی که گسترش اینترنت می تواند برای جامعه به بار بنشانند، می پردازد و سؤال پایانی خود را در مورد «غیر اخلاقی بودن آیین اطلاعات» بی پاسخ می گذارد.